

# قشر بندی اجتماع ایران در عصر ساسانیان

• شهرزاد ساسان پور  
استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد شبستر

## چکیده

مقاله‌ی حاضر تحت عنوان «قشر بندی اجتماعی ایران در عصر ساسانیان» با رویکردی جامعه‌شناختی به رشته تحریر درآمده است. محور کلیدی بحث بررسی وضعیت اقشار حاکم و غیر حاکم و معیارها و سرمشاه‌های تقسیم‌بندی اقشار، سلسله مراتب اقشار اجتماعی عصر ساسانی و عناصر اعتبار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی عصر آنان است. **واژگان کلیدی:** اقشار اجتماعی، سلسله مراتب قشر بندی اجتماعی، عصر ساسانیان،

## مقدمه

حکومت ساسانی بر پایه‌ی پدرتباری دودمانی، با حمایت اشراف و موبدان زرتشتی با شعار احیای آئین قدیم (زرتشتی) در سال ۲۲۴م به دست اردشیر بابکان تأسیس شد. داشتن فره ایزدی شاهان و جنبه ظل الهی حکومت آنان، ممانعت از آمیختگی نژادی، اهتمام به پاکی خون به خصوص در میان اقشار بالای جامعه، عدم تحرک اجتماعی و... مهم‌ترین ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر جامعه بود. شاه به صورت مطلق و بدون داشتن مشروعیت قانونی به وضع قانون اقدام می‌کرد (کاتوزیان، ۱۳۷۷، صص ۳۰-۳۲). از سوی دیگر شعار آمیختگی دین و سیاست موجب شد، تا علاوه بر آن که دولت مستقل از اقشار اجتماعی نباشد و در فوق هرم اجتماعی قرار بگیرد (همان، صص ۳۳-۳۹) اقشار اجتماعی را تحت نفوذ و اختیار خود قرار دهد، لذا اقشار اجتماعی با توجه به مرتبه و شأن اجتماعی به دولت وابسته بودند. (کاتوزیان، ۱۳۷۲، صص ۱۶)

بنیان‌های قشر بندی اجتماعی در عصر ساسانیان بر پایه اسطوره‌ها، متون دینی و... در قالب سه قشر اصلی یعنی روحانیون، نظامیان، کشاورزان و گله‌داران قرار داشت و بر پایه ساخت سیاسی - دینی تمرکز یافت. اقشار جامعه با توجه به دو ملاک مالکیت و نسبت (خون و نژاد) (نامه تنسر، ۱۳۵۴، صص ۵۴ - ۵۵) به دو گروه حاکم و غیر حاکم تقسیم می‌شد و چون نظام قشر بندی آن شبه کاستی بود، مشاغل عمدتاً موروثی و تحرک اجتماعی به ندرت در آن صورت می‌گرفت.

در گروه حاکم روحانیون، نظامیان و در گروه غیر حاکم کشاورزان و گله‌داران قرار داشتند. اما در فاصله قرن ۴ تا ۶ میلادی متعاقب تحولات سیاسی، اجتماعی و... در جامعه ساسانی، دبیران به عنوان قشر سوم جامعه مطرح شدند و کشاورزان، گله‌داران و صنعتگران قشر چهارم جامعه را تشکیل دادند. در حقیقت با رسمیت یافتن دین زرتشتی سه قشر روحانی، نظامی و کشاورزان از سوی دستگاه حکومتی و مذهبی به رسمیت شناخته شدند. (وندیداد، ۱۳۷۶، ج ۲، صص ۶۲۸ - ۶۲۹) خسرو انوشیروان (۵۳۱ - ۵۷۹م) در دوران سلطنت خود با انجام اصلاحات اجتماعی، نظامی، اقتصادی مالیاتی و قضائی (الطبری، ۱۳۷۸ ق، الجزء الثانی، صص ۱۰۲ و ۱۵۰-۱۵۱) موجب دگرگونی در وضعیت اقشار اجتماعی به خصوص در قشر بالا گردید که طی آن به پایگاه سواران و آزادان در ساختار نظامی و دهقانان در ساختار اقتصادی جامعه افزوده شد؛ اما پایگاه موبدان و خاندان‌های برجسته اشرافی از جمله و اسپوهران و وزیران

تنزل کرد. اما اصلاحات انوشیروان در وضعیت اقشار فرودست جامعه تغییراتی ایجاد نکرد و کماکان نظام قشر بندی و اقشار اجتماعی عصر ساسانی تا ورود اسلام به ایران تداوم یافتند.

### سلسله مراتب اقشار اجتماعی ایران در عصر ساسانیان

#### ۱-۱-۱ اقشار بالای جامعه

##### ۱-۱-۱ اشراف

گروه‌های اشراف در رأس اقشار بالای جامعه‌ی عصر ساسانی قرار داشتند. اردشیر با استفاده از حمایت گروه‌های اشراف، نجبای زمیندار، و چند خاندان قدیمی از اشراف اشکانی (عنایت الله رضا، ۱۳۶۵، ص ۱۳) که با شاه منافع مشترک داشتند و نیز با استفاده از فره ایزدی خود و تبلیغ شعار احیای آئین قدیم (زرتشتی) و نیز حمایت موبدان، موفق به تأسیس سلسله ساسانی شد. اشراف از ابتدا رابطه‌ی دوسویه‌ای با روحانیون ساسانی برقرار کردند، لذا در دوران بهرام اول (۲۷۶-۲۷۴ م) تا مرگ بهرام سوم (۲۹۳ م) قدرت روحانیون و موبدان و اشراف افزایش یافت. نرسی (۲۹۳-۳۵۹ م) از قدرت اشراف کاست، اما بار دیگر در عصر شاپور دوم (۳۱۰-۳۹۷ م) و بهرام پنجم (۴۲۰-۴۲۸ م) به اقتدارشان افزوده شد. (الطبری، ۱۳۷۸، الجزء الثاني، ص ۸۰)، قباد (۴۸۸-۵۳۱ م) نتوانست از اقتدار این دو قشر بکاهد، اما پس از اصلاحات خسرو انوشیروان (۵۳۱-۵۷۹ م) قدرت موبدان و اشراف درجه اول کاسته شد.

گروه‌های اشراف به علت اصالت و نسب بالا، برخورداری از مهم‌ترین مناصب لشکری و کشوری (مشاغل سیاسی، نظامی و مذهبی) املاک فراوان، تحت الحمایه قرار دادن دهقانان (المسعودی، ۱۴۰۹، الجزء الاول، ص ۲۷۵) معافیت‌های مالی (الطبری، ۱۳۷۸، الجزء الثاني، ص ۱۵۱) نوع ازدواج، پوشاک، تحصیلات، سبک زندگی نه تنها دارای اقتدار سیاسی بودند، بلکه از توان اقتصادی و پایگاه اجتماعی والائی برخوردار بودند.

#### گروه‌های اشراف

۱-۱-۱-۱ شهردار: آنان بخشی از خاندان‌های اشرافی بازمانده از عصر اشکانی بودند، که از همان ابتدای عصر ساسانی بر اقتدار سیاسی و اجتماعی آنان افزوده شد (نک: E.Herzfeld, ۱۳۴، ستون‌های ۷ و ۸) در واقع آنان شاهان کوچک ایالات و ولایات مرزی و از بستگان شاه محسوب می‌شدند (N. Hambach and skjaero, ۱۹۸۴:III, vol.2, p.۴۶). پس از اصلاحات خسرو انوشیروان، مرزبان در رأس ولایات اصلی و در ردیف شهرداران قرار گرفتند.

۱-۱-۲-۱ واسپوهران: که در متون اسلامی به «اهل البیوتات» مشهورند، شامل اعضای هفت خاندان بزرگ (کارن، سورن، اسپهبد، بهلو، اسپندیاز، مهران، زیک) و شاهزادگان و بستگان ساسانی بودند، که فرزندان و نوادگان مستقیم شاه نبودند. (اردابیرافنامه، ۱۳۸۲، ص ۴۲؛ ریچارد فرای، ۱۳۵۸، ص ۳۳۹). آنان برخی از مناصب مانند تاج نهادن بر سر شاه [به صورت موروثی] - (نولدکه، ۱۳۸۵، ص ۴۶۷) و مقاماتی مانند اسپهبد، ارگبد و ریاست امور قضائی را عهده‌دار بودند (کریستین سن، ۱۳۷۲، ص ۱۶۵). نفوذ این قشر در دوران حکومت شاپور دوم افزایش یافت. (نولدکه،

۱۳۸۵، ص ۱۴۱) اما پس از اصلاحات انوشیروان از قدرتشان کاسته شد، (الطبری، ۱۳۷۸، الجزء الثاني، ص ۹۲). هرچند انوشیروان آنان را از پرداخت مالیات معف کرد، اما با گردآوری قشر جدیدی از نجبای وفادار به دربار از میان خاندان‌های اشرافی، به محدود کردن قدرت سیاسی و اجتماعی آنان پرداخت. (نک: کریستین سن، ۱۳۷۲، صص ۴۸۶-۴۸۷)

۱-۱-۳-۱ وزرگان (نژادگان): که در متون اسلامی به آنان «العظما» و «الاشراف» اطلاق شده است، در سومین مرتبه گروه‌های اشرافی قرار داشتند و شامل فرمانروایان نیمه مستقل ایالات کوچک، و روسای ادارات دولتی بودند که مراسم تاجگذاری شاه بر عهده آنان بود. (نک: کتیبه نرسی در پایکولی و E.Herzfeld, ۱۹۲۴) داشتن مناصب و مشاغلی مانند وزیر گفردار (نخست‌وزیر)، موبدان موبد، هیرید، دبیرید، سپهبد (نک: کتیبه شاپور اول در کعبه زرتشت، W.B.Henning, ۱۹۹۳) حاکی از اقتدار سیاسی و پایگاه اجتماعی بالای آنان است. متعاقب اصلاحات انوشیروان از قدرت این گروه کاسته شد و آنان در ردیف فرودست‌ترین اشراف قرار گرفتند.

۱-۱-۴-۱ آزادان: در متون عربی از آنان تحت عنوان «الاشراف» یا «الاجرار» یاد شده است. آنان زمینداران متوسط و در واقع کارگزاران زیردست ولایات و رابط میان روستاییان با حکومت مرکزی بودند. که ریاست دهکده‌ها و ریاست بر امور کشاورزان را در املاکشان به هنگام صلح در اختیار دانستند. (کریستین سن، ۱۳۷۲، ص ۱۳۲)، گروه اسواران به عنوان هسته سوار نظام ساسانی به این قشر متعلق داشتند. (الیعقوبی، ۱۴۱۳، المجلد الاول، ص ۱۷۷)

۱-۱-۵-۱ دهقانان (کذک خدایان، کدخدایان): آنان تا دوران خسرو انوشیروان در پایین‌ترین مرتبه اشراف و رئیس و مالک اراضی قری و روستاها و به عبارتی «روسای قریه» بودند. (الطبری، ۱۳۷۸، الجزء الثاني، ص ۱۰۱). آنان نیز واسطه‌ی میان مردم و دربار و نماینده دولت مرکزی بودند. بر اساس نسب آنان به دو گروه کوچک و بزرگ تقسیم می‌شدند (عنایت الله رضا، ۱۳۶۵، ص ۱۸) و از امور لشکری بر کنار بودند، اما در صورت لزوم در جنگ‌ها می‌بایستی از مناطق خود دفاع می‌کردند. آنان ستون فقرات ارتش ساسانی و جمع کنندگان مالیات اراضی بودند. (جاحظ، ۱۳۴۳، ص ۶۸) پس از اصلاحات انوشیران، دهقانان به عنوان حامیان حکومت در رأس گروه‌های اشرافی قرار گرفتند و تا پایان عصر ساسانی، حتی تا مدت‌ها پس از ورود اسلام به ایران موقعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود را حفظ کردند.

#### ۱-۲-۱ روحانیان (موبدان)

دومین قشر ممتاز جامعه ساسانی، موبدان و روحانیون زرتشتی بودند، حمایت این گروه از سلطنت اردشیر ساسانی موجب شد تا وی «دین و شاهی را قرین یکدیگر» بداند. (عهد اردشیر، ۱۳۴۸، صص ۱۰-۱۱). در ابتدای عصر ساسانی تا قبل از رسمیت کامل دین زرتشتی اقشار نظامی در ردیف بالاترین قشر جامعه محسوب می‌شدند، اما در خلال حکومت شاپور دوم (۲۴۱-۲۷۲ م) تا خسرو انوشیروان (۵۳۱-۵۷۹ م)

ممتاز جامعه و حافظان و پاسداران ملک بودند. (الدینوری، ۱۳۴۳ ق، المجلد الاول، ص ۵۲). ارتش عصر ساسانی شامل سه بخش سواره نظام، پیاده نظام و فیل سواران بود (مارکوارت، ۱۳۷۲، ص ۲۳۱) که سواره نظام آن را غالباً آزادان و بزرگان و پیاده نظام آن را غالباً توده مردم برعهده داشتند. ریاست سپاه ایران با «ایران سپاهید» بود. (المسعودی، ۱۴۰۹ ق، الجزء الاول، ص ۲۶۹) نظامیان دارای سلسله مراتبی بودند.

برخورداری نظامیان از حمایت و عضویت خاندان‌های اشرافی، عهده‌دار بودن مناصب کلیدی نظامی، املاک‌سی که به صورت اقطاع از سوی حکومت به آنان واگذار می‌شد (گردیزی، ۱۳۶۳، ص ۷۸) و معافیت‌های مالی، اختصاص هدایا و غنایم جنگی (لوکونین، ۱۳۷۵، ص ۱۱۲) به اقتدار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آنان می‌افزود. تا پیش از اصلاحات خسرو انوشیروان بسیاری از نظامیان به خصوص سواره نظام از گروه آزادان بودند که ریاست آنان با اشراف و وفاداری‌شان به شاه اندک بود، لذا انوشیروان با ایجاد ارتش منظم، مستقل و وفادار به شاه از سوی نجیبی درجه‌ی دوم و فرودست و تشکیل اسواران به جایگاه و پایگاه اشراف ضربه زد. (الطبری، ۱۳۷۸ ق، الجزء الثانی، ص ۹۹) علاوه بر آن انوشیروان با اختصاص مقام «ایران سپاهید» به خود و تقسیم قلمرو ایران به چهار پادکوس یا کوست و تعیین چهار مرزبان برای ولایات خراسان، غرب، شمال و جنوب (المسعودی، ۱۴۰۹ ق، الجزء الاول ص ۲۹۶) به رقابت میان فرماندهان نظامی افزود. (عنایت‌الله رضا، ۱۳۶۵، ص ۱۶)



سربازان ساسانی و پارتی

#### ۴-۱- دبیران و دیوانیان

درواقع دبیران و دیوانیان متعاقب افزایش ایالات ساسانی، گسترش نظارت بر امور ایالات و فعالیت‌های شهربان، زمینداران و حکام، نظارت بر انواع مالیات‌ها بخصوص مالیات‌های اراضی کشاورزی، نیاز هرچه بیشتر شاهان ساسانی به دبیران و... از قرن ششم میلادی به عنوان قشر سوم در جامعه ساسانی مطرح شدند. به تدریج با افزایش تقسیم کار، امور اقتصادی، معاملات و رشد جامعه شهری و... به منزلت آنان افزون شد. در دوران شاپور دوم قدرت دبیران در مقابل اشراف زمیندار افزایش یافت. (الطبری، ۱۳۷۸ ق، الجزء الثانی، ص ۷۴) آنان دارای سلسله مراتبی بودند.

در رأس نظام دیوانی و کشوری وزرگ‌فرمذار (وزیر بزرگ) قرار داشت. (الیعقوبی، ۱۴۱۳ هـ المجلد الاول، ص ۲۱۹) و در رأس دبیران «ایران دبیرد» یا «دبیران مهشت قرار داشت (همان، ص ۱۷۷). دبیران به خاندان‌های سرشناس و قابل اعتماد متعلق بودند و بایستی تحصیلات

بر قدرتشان چنان افزوده شد که حتی در عزل و نصب شاهان دخالت می‌کردند. (نک: دینکرد، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۷۲).

آنان علاوه بر عهده‌دار بودن آموزش تعلیم دینی (بندهش، ۱۳۶۹، ص ۹۲) نهاد قضاوت (کلمان هوار، ۱۳۷۵، ص ۱۷۶) از امتیازات اقتصادی فراوانی مانند عواید آتشکده‌ها (بلعمی، بی تا، ص ۹۴۸) موقوفات شاهان (تورج دریائی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۴) املاک و ضیاع، وجوه جرائم دینی، عشریه (بلعمی، بی تا، ص ۹۷۰) و دخالت در امور روزمره مردم مثل تولد، مرگ، ازدواج و... از اقتدار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بالایی برخوردار بودند. اما پس از اصلاحات خسرو انوشیروان از اقتدارشان کاسته شد. (کریستن سن، ۱۳۷۲، ص ۱۷۱) موبدان برحسب مرتبه و وظیفه به گروه‌هایی تقسیم می‌شدند.

#### ۳-۱- نظامیان

نظامیان یا مقاتل دوران اسلامی (نامه تنسر، ۱۳۵۴، ص ۵۷)، از اشراف

بنیان‌های قشربندی اجتماعی در عصر ساسانیان برپایه‌ی اسطوره‌ها، متون دینی و... در قالب سه قشر اصلی یعنی روحانیون، نظامیان، کشاورزان و گله‌داران قرار داشت و بر پایه‌ی ساخت سیاسی - دینی تمرکز یافت



کرتیر، موبد ساسانی در مقابل نرسه

و تجربه لازم را داشته باشند، زیرا شاهان ایران هیچ کاری را به «مردم پست نژاد نمی سپردند» (الجهشیری، ۱۴۰۸ ق، ص ۱۲).

پزشکان با توجه به پایگاه اجتماعی و تحصیلات در قشر دبیران جای داشتند، که از لحاظ نژادی به ایرانی و خارجی تقسیم می شدند. پزشکان سریانی، هندی، یونانی در کنار پزشکان ایرانی در جندی شاپور به تدریس می پرداختند.

منجمان و اخترشناسان جهت پیشگویی، تفسیر خواب شاهان و مشاوره (کارنامه اردشیر بابکان، ۱۳۲۹، صص ۲۹ و ۳۷) و خنیاگران، نوازندگان و موسیقیدانان (که در دوران بهرام گور ارتقاء یافتند) (المسعودی، ۱۴۰۹ ق، الجزء الاول، ص ۲۶۸) و نیز شعراء، معماران و حجاران (المسعودی، بی تا، ص ۹۲) در ردیف قشر دبیران و دیوانیان قرار داشتند.

## ۲- اقسار متوسط (میانی)

در منابع عصر ساسانی از اقسار میانی جامعه به صورت جداگانه مطالبی در دست نیست، این موضوع از آن جا ناشی می شود که اقسار پایین (فرو دست) عصر ساسانی با توجه به محل سکونت، اوضاع جغرافیایی، میزان درآمد و شغل به دو دسته روستایی و شهری تقسیم می شدند؛ اما در واقع بخش شهری را می توان در ردیف اقسار میانی جامعه محسوب نمود که احتمالاً آنان برخی از مشاغل دولتی سطح پائین و محلی را در دست داشتند. پیشه‌وران، صنعتگران، بازرگانان، خرده‌فروشان، عمده‌فروشان و خدمتکاران املاک درباری، اشراف و... در این گروه قرار داشتند. (ویسهوفر، ۱۳۷۸، ص ۲۹۱) اقسار میانی جامعه از پرداخت مالیات سرانه و خدمات نظامی معاف بودند، اما در پاره‌ای از مواقع به تهیه مخارج جنگ‌ها ملزم می شدند. آنان حق تغییر شغل و ازدواج با خاندان‌های اشرافی را نداشتند و در محلات و کوی‌های مشخص در شهرها زندگی می کردند.

## مهم‌ترین اقسار میانی عصر ساسانی

۱-۲- بازرگانان: در منابع عصر ساسانی بازرگانان و پیشه‌وران در ردیف چهارم یعنی عامه مردم قرار داشتند. شغل بازرگانان فرومایه‌ترین پیشه‌ها محسوب می شد (الطبری، ۱۳۷۸ ق، الجزء الثاني، ص ۱۵۱) و حتی دارای لباس مخصوص بودند (تعالی، ۱۳۶۸، صص ۴۳۳-۴۳۴) اما در میان عامه مردم از وضعیت مطلوب اقتصادی و اجتماعی برخوردار بودند. از نظر سیاسی آن‌ها در برخی تحولات شهری دخالت داشتند و در مبارزات میان شاه و اشراف زمیندار غالباً از شاه حمایت می کردند (قشاهی، ۱۳۵۴، ص ۴۴) اما در جریان شورش بهرام چوبین در زمان پادشاهی هرمز چهارم

(۲۵۹-۵۷۹ م) پس از ایجاد شکاف میان دولت و ملت، به شورشیان پیوستند. (تعالی، ۱۳۶۸، صص ۴۱۹-۴۲۰). بازرگانان در میان سایر شهرنشینان وضعیت مطلوبی داشتند و در حجره‌هایی به صورت مجتمع کار می کردند که در رأس آنان «رئیس‌التجار» قرار داشت. (بیکولوسکایا، ۱۳۷۷، ص ۳۱۵). در مجموع فقدان آتشکده برای بازرگانان و پیشه‌وران حاکی از پایگاه اجتماعی پست آنان دارد. (تورج دریائی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۳).

## ۲-۲- پیشه‌وران و صنعتگران

۱-۲-۲- پیشه‌وران و صنعتگران شهروند (ایرانی): این قشر مانند بازرگانان در کنار کشاورزان و دامداران تحت عنوان «هوئی‌تی» قشر چهارم را تشکیل می دادند. (اردویرافنامه، ۱۳۸۲، ص ۶۰) متعاقب گسترش شهرنشینی، ایجاد صنایع و پیشه‌ها، تنوع نیازهای شهرنشینان، شهرها به مراکز عمده تجاری و صنعتی تبدیل شدند. صنعتگران و پیشه‌وران ایرانی به دو دسته روستایی و

دومین قشر ممتاز جامعه‌ی ساسانی، موبدان و روحانیون زرتشتی بودند، حمایت این گروه از سلطنت اردشیر ساسانی موجب شد تا وی «دین و شاهی را قرین یکدیگر» بدانند

اصلاح خراج، دادن تخم بذر و وام (شاهنامه فردوسی، ۱۳۶۹، ج ۸، ص ۲۳۱۸) و... وضعیت آنان بهتر شد، اما در مجموع اصلاحات انوشیروان برای حمایت از کشاورزان بی‌نتیجه بود زیرا قانون و مقرراتی نداشت.

### ۳-۲-۲ دامداران و شبانان

عنوان «برزگر- گله‌دار» در متون زرتشتی (وندیداد، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۶۲۷) و این موضوع که آفریدگار، اهورامزدا را به عنوان «شبان و نگهبان» برگزید (یسنا، ۱۳۴۰، ج ۱، ص ۹۰) حکایت از آمیختگی اقتصاد کشاورزی و شبانی در تاریخ ایران باستان است. در آئین زرتشتی شبانان به عنوان نگهبان گوسفند و چارپا در جهان و تأمین کننده خوراک مردم مطرح شده‌اند. (ارادویرافنامه، ۱۳۸۲، ص ۶۰) اما تنها بخش کوچکی (نسبت به کشاورزان) از اقشار فرودست را تشکیل می‌دادند.

### ۳-۳-۳ عشایر و چادرنشینان

درباره این قشر در عصر ساسانی اطلاعات اندکی وجود دارد، شاید اسکان تدریجی آنان (مانند شبانان) عامل اصلی این موضوع باشد. اما کردها، دیالمه، گیلانی‌ها، کرمانی‌ها و... گروه‌های عشایری بودند که نه تنها در دوران ساسانی (کارنامه اردشیر بابکان، ۱۳۲۹، ص ۴۸) بلکه در دوران اسلامی در ارتش و سپاه از آنان استفاده می‌شد.

### ۳-۴-۳ عوام الناس

بزرگ‌ترین قشر جامعه ساسانی و بخشی از قشر چهارم بودند که روحانیان و حکام ساسانی با بدبینی به آنان می‌نگریستند، زیرا اشکوهان (فقرا)، دزدان و جنایتکاران (تورج دریائی، ۱۳۸۰، صص ۱۷۹-۱۸۴) و نیز «مردی جوان» (جوآنمردان، که دزدی از ثروتمندان و کمک به تهیدستان را می‌ستودند) به این قشر تعلق داشتند. (وندیداد، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۱۲۸۶)

### ۳-۵-۳ اسیران و بندگان

اسیران و بندگان نیز به ایرانی و غیرایرانی (ناشهروند) تقسیم می‌شدند. در عصر اشکانی بردگان و اسیران غیرشهری (آشهریک) وجود داشت، اما در عصر ساسانی از آنان در صنایع بافندگی و ساختمانی و مزارع کشاورزی استفاده می‌شد. شاپور دوم برای رفاه حال اسیران رومی اقداماتی در شوشتر انجام داد (الطبری، ۱۳۷۸ق، الجزء الثانی، ص ۶۰) انوشیروان نیز پس از اصلاحات خود آنان را در انطاکیه اسکان داد و آنان خود را «رعایای شاهنشاه» نامیدند (شاهنامه فردوسی، ۱۳۶۹، ج ۳، ص ۱۹۰۵). برخی از اسیران هدایای شاهان بیگانه به شاهان ایران و یا آتشکده‌ها بودند (الطبری، ۱۳۷۸ق، الجزء الثانی ص ۱۷۶) اما گروه دیگری از بردگان و بندگان، ایرانیان بدهکار (جهت پرداخت بدهی) بودند. (اینوسترانسیف، ۱۳۴۸، ص ۸۴) بسیاری از اشراف لشکر بزرگی از بندگان داشتند که به صورت عبید به دنیا می‌آمدند، این گروه آزاد نمی‌شدند و حتی اشراف حق کشتن آن‌ها را داشتند. (پرو کوپپوس، ۱۳۳۸، ص ۱۷۰) اما بردگان غالباً می‌توانستند به صورت تدریجی آزاد شده و از بخشی از تلاش و دست‌رنج خود استفاده کنند (MATIKAN, ۱۹۷۹.p.p.۷۳). و در صورت ازدواج با شخص آزاد، برده و فرزندانش آزاد می‌شدند. (پیکولوسکایا، ۱۳۷۷، ص

شهری تقسیم می‌شدند که هریک به مرتفع کردن نیازهای مکان جغرافیایی و زندگی خود مشغول بودند. غالباً آنان تولید کنندگانی بود که با نیروی کار فرزندان و خانواده و خویشان خود در کارگاه‌هایشان کار می‌کردند و در برخی مشاغل متخصص بودند. (پیکولوسکایا، ۱۳۷۷، صص ۳۱۵-۳۱۶). آنان از خدمات نظامی و خراج معاف بودند، اما مالیات سرانه را به صورت نقدی به دولت می‌پرداختند. (فرهادنعمانی، ۱۳۵۸، ص ۲۷۱)

۲-۲-۲ پیشه‌وران و صنعتگران ناشهروند (غیرایرانی): این قشر در واقع شامل اسیران جنگی بودند. شاپور اول پس از پیروزی بر والرین امپراتور روم، اسیران رومی را در جندی شاپور و شاپور دوم اسیران آمد را در شوش و شوشتر اسکان داد تا از مهارت‌های آنان در صنایع بافندگی، ساختمانی و... استفاده کند. (کریستین سن، ۱۳۱۴، صص ۷۰-۷۱) آنان با توجه به زبان و مذهب دسته‌بندی شده و ضمن داشتن آزادی مذهبی در مکان‌های خاص و جداگانه اسکان داده شدند و برخی از آنان حتی حق ازدواج با دختران ایرانی غیرمسیحی... را داشتند (یوزف و یسپوفر، ۱۳۷۸، ص ۲۳۸). عامل اصلی که موجب شد اقشار غیرزرتشتی (ارامنه، یهودیان، مسیحیان و اسیران جنگی) بتدریج مشاغل صنعتی و پیشه‌وری را در اختیار بگیرند، اتهام آلودن آب، آتش، خاک و باد از سوی موبدان و زرتشتیان متعصب به آنان بود. (نک: تورج دریائی، ۱۳۸۴، ص ۱۵۳)

### ۳-۴-۳ اقشار پائین (فرودستان)

فرودستان عصر ساسانی یعنی مهنه و محترفه (کشاورزان، دامداران، پیشه‌وران، بازرگانان) به همراه بردگان و عوام الناس چهارمین قشر جامعه محسوب می‌شدند. (نامه تسر، ۱۳۵۴، ص ۵۷) که مهم‌ترین آنان عبارت بودند از:

#### ۳-۱-۳ کشاورزان

کشاورزان حامیان مزدیستا (یسنا، ۱۳۴۰، ج ۱، ص ۱۷۹) و بزرگ‌ترین تولیدکنندگان عصر ساسانی بودند که به دو دسته اکره (وابسته به زمین، که در املاک شاهان و زمینداران بزرگ کار می‌کردند) و کشاورزان آزاد و مستقل (مزارعون) تقسیم می‌شدند. (کلیما، ۱۳۵۱، ص ۳۰۷) کشاورزان حق ازدواج با شهرنشینان و حتی مهاجرت به شهرها را نداشتند (خسروی، ۱۳۵۵، ص ۳۴) و علاوه بر پرداخت مالیات ارضی به دولت، اشراف زمیندار و مالکان به هنگام جنگ‌ها همراه با ارباب‌های خود در پیاده نظام خدمت می‌کردند. (کریستین سن، ۱۳۷۲، ص ۴۳۰) این موضوع نشان می‌دهد که با وجودی که آنان تولیدکنندگان جامعه بودند، اما توان اقتصادی بالائی نداشتند و از لحاظ اجتماعی چون بی‌بهره از سواد و نادان محسوب می‌شدند (مینوی خرد، ۱۳۶۴، ص ۴۸) پایگاه اجتماعی والائی نداشتند. از لحاظ سیاسی نیز عملاً تحت نظارت اقشار بالای جامعه بودند. مسائلی مانند فشارهای مالیاتی، شرکت در جنگ‌های ناخواسته، تلفات جانی، شکست‌ها و پیوستن آنان به نهضت‌هایی مانند مزدکیان به پنهان رهایی از مالیات‌های سنگین حاکی از وضع اسفناک آنان است. ظاهراً پس از اصلاحات اقتصادی و مالی انوشیروان مبنی بر بخشش‌های مالیاتی، (الطبری، ۱۳۷۸ هـ ق الجزء الثانی ص ۱۰۲)



۲۶۸) و حتی با اجازه اربابان خود می‌توانستند صاحب اموال خاص شده و یا به طور تدریجی یا کامل آزاد گردند. (ویسهوفر، ۱۳۷۸، ص ۲۲۱)، علاوه بر خدمت در مزارع و صنایع آنان در خدمت نظامی و آتشکده‌ها نیز به کار گرفته می‌شدند (یارشاطر، ۱۳۷۷، ج ۳، بخش ۲، ص ۴۲)

### نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث ذکرشده، چنین به نظر می‌رسد که ملاک‌های اصلی تقسیم جامعه در عصر ساسانی به دو قشر حاکم (بالا) و غیرحاکم (عامه) در درجه اول مالکیت سپس نسب (خون و نژاد) و اقتدار سیاسی بود. اما تنها از دسته‌بندی‌های ممتاز جامعه (اشراف، روحانیان، نظامیان، دبیران...) آن هم در غالب گروه‌های شغلی اطلاعاتی از این دوران به جای مانده است در حالی که عامه مردم، (کشاورزان، پیشه‌وران، بازرگانان...) کمتر مورد توجه حکومت بودند، اما در امور مالیاتی، تولیدی و جنگ‌ها این قشر بیشترین استفاده‌ها را برای حکومت و جامعه داشت.

از سوی دیگر اقتضای اجتماعی حتی اقتضای بالا با توجه به مرتبه و شأن اجتماعی خود وابسته به دولت و در واقع تحت نظارت دولت بودند، وضعیت قشربندی عصر ساسانی با ماهیت دینی - سیاسی خود تا پایان عصر ساسانی تداوم یافت. هر چند اصلاحات خسروانوشیروان در وضعیت اقتضای بالای جامعه منجر به تغییرات افقی و افول جایگاه اشراف والا، واسپوهران، وزرکان و... شد و اسواران، آزادان و دهقانان را به عنوان برترین گروه‌های اشرافی ارتقاء داد اما این موضوع موجب چالش در امپراتوری ساسانی شد، چنان که عاقبت بهرام چوبین از میان آزادان علیه جانشین انوشیروان شورید و به حکومت دست یافت.

از سوی دیگر اصلاحات انوشیروان تغییر عمده‌ای را در وضعیت اقتضای فرودست و کشاورزان ایجاد نکرد. هر چند تا حدی وضعیت آنان بهبود یافت. اما ناپساامانی دولت ساسانی پس از انوشیروان و پیوستن اقتضای فرودست و عامه مردم به شورش‌های **بستام و بندوی** برای بدست آوردن پاره نانی (شاهنامه فردوسی، ۱۳۶۹، ج ۴، ص ۲۱۶۹) حاکی از آن است که این اصلاحات تغییر عمده‌ای در وضعیت اقتضای فرودست جامعه ایجاد نکرد و قشربندی عصر ساسانی تا سقوط این حکومت کماکان دست نخورده باقی ماند.

### منابع و مطالعات

#### ۱) منابع عربی

- الجهشیری، محمد بن عبدوس، الوزراء و الكتاب، قدم له حسن الزین. بیروت، دارالفکر الحدیث، ۱۴۰۸ ق ۱۹۸۸ م
- الخوارزمی، ابوعبدالله محمد بن احمد بن یوسف. مفاتیح العلوم. قدم له ابراهیم الایاری. بیروت، کتاب العربی، ۱۴۰۴ ق - ۱۹۸۴ م
- الدینوری، ابومحمد عبدالله بن مسلم (ابن قتیبه)، عیون الاخبار. المجلد الاول، بیروت، بی‌تا، ۱۳۴۳ ق ۱۹۲۵ م
- الطبری، محمد بن جریر، تاریخ الرسل و الملوک. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث، الطبع الثانی، ۱۳۷۸ ق - ۱۹۶۷ م
- المسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، التنبیه و الاشراف. اسماعیل الصاوی، قاهره، دارالصاوی، بی‌تا.
- المسعودی، ابوالحسن علی بن حسین. مروج الذهب و معادن الجواهر. تحقیق اسعد داغر.

قم، دارالهجره، الطبع الثانی، ۱۴۰۹ ق

- البیعوبی، احمد بن بی یعقوب (ابن واضح). تاریخ البیعوبی. تحقیق عبدالامیر مهنا، بیروت، موسسه الاعلی لمطبوعات، ۱۴۱۳ ق ۱۹۹۳ م

#### ۲- منابع فارسی

- آذر فرنیخ پسر فرخزاد و آذرآباد پسر امید. دینکرد، ترجمه فریدون فضیلت، کتاب سوم، تهران، فرهنگ دهخدا، ۱۳۸۱
- اینوستراتسوف، مطالعاتی درباره ساسانیان، ترجمه کاظم کاظم‌زاده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸
- بزن، آگ و کف، نیم، زمینه جامعه‌شناسی. اقتباس. ح. آریان‌پور، چاپ دهم، تهران، جیبی، ۲۵۳۶
- بلعسی، تاریخ بلعسی. به تصحیح محمدتقی بهار، به کوشش محمد پروین گنابادی، تهران، کتابفروشی زوار، بی‌تا.
- بندهبین، گزارنده مهرداد بهار. تهران، توس، ۱۳۶۹.
- پروکوپیوس، جنگ‌های ایران و روم. ترجمه محمدسعیدی. تهران، بنگاه نشر و ترجمه کتاب، ۱۳۳۸.
- پیکولوسکایا و دیگران. تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هجدهم. ترجمه کریم کشاورز، ج ۱، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۹.
- پیکولوسکایا، نیا. شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان. ترجمه عنایت‌الله رضا، تهران، علمی فرهنگ، ۱۳۷۷.
- غالبی، عبدالملک بن محمد بن اسماعیل. تاریخ تعالی (غزراخبار) ملوک الفرس و سیرهم. ترجمه محمدفضائلی، تهران، نشر نقره، ۱۳۶۸.
- جاحظ، ابوعثمان عمرو بن بحر. التاج. ترجمه محمدخلیلی، تهران، ابن‌سینا، ۱۳۳۲.
- خسروی، خسرو. نظام‌های بهره‌برداری زمین در ایران. تهران، شبگیر، ۱۳۵۵.
- دریائی، تورج، شاهنشاهی ساسانی، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران، ققنوس، ۱۳۸۴، چاپ دوم
- دریائی، تورج، مدافع درویش و داور، یادنامه احمد تفضلی. تهران، بی‌تا، ۱۳۸۰
- رضا، عنایت‌الله. ایران و ترک‌ان در روزگار ساسانیان. تهران، علمی فرهنگی، ۱۳۶۵
- زینو، فیلیپ، ارنالدو، اقامه، ترجمه ژاله آموزگار. چاپ دوم، تهران، انجمن ایران‌شناسی در فرانسه، ۱۳۸۲.
- شایان، فریدون. سیری در تاریخ ایران باستان، تهران، بزر، ۱۳۵۱
- عهد اردشیر (اندرزنامه و سخنان اردشیر بابکان). به کوشش احسان عباس، ترجمه محمدعلی امام شوشتری، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۴۸
- فرای، ریچارد، عصر زرین فرهنگ ایران. ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، سروش، ۱۳۵۸.
- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه، به اهتمام زول مول، چاپ چهارم، تهران، کتابهای جیبی، ۱۳۶۹
- فشاهی، محمد رضا. از گاتها تا مشروطیت، تهران، گوتنبرگ، ۱۳۵۴.
- کاتوزیان، محمدعلی. تاریخ اقتصادی ایران. ترجمه محمدرضا نفیسی، کامبیز عزیز. چاپ دوم، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۲.
- کاتوزیان، محمدعلی، نظریات تطبیقی درباره دولت و سیاست و جامعه ایران. ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۷
- کلیم، اوتاکر. تاریخ جنبش مزدیکن. ترجمه جهانگیر فکری ارشاد، تهران، توس، ۱۳۵۱.
- کارنامه اردشیر بابکان. به اهتمام محمدجواد مشکور، تهران، چاپخانه دانش، ۱۳۲۹.
- کریستین سن، آرتور، وضع ملت و دولت و دربار در دوره شاهنشاهی ساسانی. ترجمه

مجتبی مینوی، تهران، کمیسیون معارف، ۱۳۱۴.

- کریستین سن، آرتور، ایران در زمان ساسانیان. ترجمه رشید یاسمی چاپ هشتم، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۲.

- گردیزی، عبدالحسن بن ضحاک. تاریخ گردیزی، به تصحیح عبدالحی حبیبی، چاپ دوم، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۲.

- گیدنز، آنتونی. جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، غزال، ۱۳۸۱.

- گیرشمن، رومان، ایران از آغاز تا اسلام. ترجمه محمدمعین، تهران، علمی فرهنگ، ۱۳۷۱.

- لوکونین، ولادیمیرگریگور ویچ، تمدن ایران ساسانی. ترجمه عنایت‌الله رضا. چاپ نهم، تهران، علمی - فرهنگی، ۱۳۷۵.

- مارکوارت، یوزف. ایران‌شهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی، ترجمه مریم میراحمدی، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۲.

- مینوی خرد، ترجمه احمد تقضلی، چاپ دوم، تهران، توس، ۱۳۶۴.

- نامه تنسر به گشنسب، به تصحیح مجتبی مینوی با همکاری محمد اسماعیل رضوانی، چاپ دوم، تهران، خوارزمی، ۱۳۵۴.

- نعمانی، فرهاد، تکامل فنودالسیسم در ایران، ج ۱، تهران، خوارزمی، ۱۳۵۸.

- نولاکه، تئودور، تاریخ ایران و عرب‌ها در زمان ساسانیان. ترجمه عباس زریاب‌خویی، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۸۵.

- ویسهوفو، یوزف. ایران باستان. ترجمه مرتضی ناقب‌فر. تهران، ققنوس، ۱۳۷۸.

- وندیداد، ترجمه هاشم رضی، تهران، نشر فکر روز، ۱۳۷۶.

- هوار، کلمان. ایران و تمدن ایرانی. ترجمه حسن انوشه، چاپ دوم تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷.

- یارشاطر، احسان. «تهدادهای سیاسی، اجتماعی، اداری، مالیات و دناوستد» تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان. ج ۳. قسمت ۲. ترجمه حسن انوشه. تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۷.

- یسنه، ترجمه و تفسیر ابراهیم پورداود، چاپ دوم، تهران، ابن‌سینا، ۱۳۴۰.

### ۳- منابع خارجی

- Hambach H. & Oskjaervo. p. "The sasanian inscription of paikuli". Wiesbaden, III/12, 1991-.
- Hening, w.B. "The Great inscription of sapur I", Bsos, 9, 1993.
- Herzfel, E. "Paikuli, I, Monument and in scription of Early History of The sasanian Empire", Berlin, 1924.
- "Matikan Hazar Datastan", Translated by s.j.Bulsara Published, Hoshang, T. Anklesaria. 1979.
- Nybreg, H.s. "Amanual of Pahliavi", Wiesbaden, vol, I, 1964.

### پی‌نوشت

۱. منابعی که به تقسیم‌بندی اقتصار اجتماعی عصر ساسانی اشاره کرده‌اند به چهار دسته تقسیم می‌شوند:
- (أ) متون دینی ودائی، هندی و آریائی؛ که براساس متون هندی و ودائی سه قشر برهمن (اراهتمایان دینی)، را جنیه (نظامیان) و ویشه (کشاورزان و پیشه‌وران) و شودر (بومیان

غیر آریائی) از اجزای پرورش (به عنوان انسان قدیم) به وجود آمدند. (وندیداد، ۱۳۷۶، ج ۲ صص ۶۲۷ - ۶۲۹). در اوستا نیز از سه قشر نظامیان و اشراف، پیشوایان مذهبی و کشاورزان و برزگران یاد شده است، که به تدریج قشر هوئی‌تی (huitt) یا صنعتگران به آن اضافه شدند (یسنه، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۷).

(ب) روایات متناسب به شاهان ساسانی مانند عهد اردشیر کارنامه اردشیر بابکان و نامه تنسر که علاوه بر سه قشر بالا در آن از دبیران به عنوان قشر چهارم یاد شده است. (عهد اردشیر، ۱۳۴۸، ص ۶۲ کارنامه اردشیر بابکان، ۱۳۳۹، ص ۳۸؛ نامه تنسر، ۱۳۵۴، ص ۵۷).

(ج) کتیبه‌ها و نقش برجسته‌های شاهان ساسانی مانند کتیبه شاپور اول در کعبه زرتشت (Hening, ۱۹۲۹, p. ۲۳) و کتیبه‌ی شاپور اول در غار حاجی آباد (Nyberg, ۱۹۶۴, p. ۱۳۳) و کتیبه نرسی در پایکولی (Herzfeld, ۱۹۲۹) به اقتصار بالای جامعه، فهرست خاندان‌های اشرافی، مناصب درباری، مذهبی و نظامی در آن‌ها اشاره شده است.

(د) روایات مورخان مسلمان: که بر اقتصار چهارگانه عصر ساسانی تأکید کرده بودند (جاحظ، ۱۳۴۳، ص ۶۸ الیعقوبی، ۱۴۱۳، ق، المجلد الاول، ص ۷۷؛ الطبری، ۱۳۷۸، ق، الجزء الثاني، ص ۸۰).

۲. برخی محققان با توجه به مناسبات تولیدی نظام عصر ساسانی را برده‌داری تلقی کردند (فریدون شایان ۱۳۵۱، ج ۲، ص ۲۰۹) اما چون برده می‌توانست با توافق مالک بصورت تدریجی یا کامل آزاد شود (۳۲. MATIKAN, ۱۹۷۹, p. ۲۲) این نظریه منتفی است. پاره‌ای دیگر نظام عصر ساسانی را با توجه به شرایط کار و دستمزد و بدون توجه به قومیت و نژاد و پیشینه خانوادگی (گیدنز، ۱۳۸۱، ص ۲۲۱) در ردیف نظام طبقه‌ای محسوب کرده بودند. اما با توجه به اهمیت قومیت و نسب در عصر ساسانی این نظریه نیز منتفی است. برخی دیگر نظام عصر ساسانی را رسته‌ای دانسته‌اند اما چون در این نظام تعهدات و روابط متقابلی میان سرف و فئودال وجود داشت که عصر ساسانی عاری از آن بود این نظریه نیز منتفی است. اما پاره‌ای دیگر نظام عصر ساسانی را کاستی دانسته‌اند که عضویت ارثی و تحرک اجتماعی در آن به ندرت آن هم به صورت گروهی اتفاق می‌افتد (آگ برن و نیم کف، ۲۵۳۶، ص ۲۱۶). ظاهراً نظام قشربندی عصر ساسانی شبه کاستی بود زیرا مشاغل عمدتاً موروثی، ازدواج‌ها درون گروهی و تحرک اجتماعی به ندرت در آن اتفاق می‌افتاد.

۳. این گروه‌ها به ترتیب عبارت بودند از: موبدان موبد (رئیس کل امور مذهبی)، هیرسدان (آموزگاران روحانی)، وردبذ (روحانی درجه دوم) دادوران (قاضی القضاة)، دادوران (قاضی)، آتش آمار دبیر، معان، آذربد (خادمان آتش) و... (نک: وندیداد، ۱۳۷۶، ج ۲، صص ۶۱۲-۶۱۳).

۴. گروه نظامیان به ترتیب عبارت بودند از: ارتشداران سالار (فرمانده نظامیان)، سپاهبذ (فرمانده سپاه)، ارگبذ، یشتیگ‌بان سالار، اسواران سردار، هزاربذ، پایگاه سالار، تیربذ و... (لوکونین، ۱۳۷۵، ص ۱۰۶).

۵. از جمله: داددبیر (دبیر عدلیه)، آتش آمار دبیر (مامور عایدات آتشکده‌ها)، روانگان دبیر (مامور امور خیریه)، ایران آمار کار (نایب وزیر بزرگ)، واسپوهر آمار کار (مامور وصول عایدات واسپوهران) (الخوارزمی، ۱۴۰۴، ق، صص ۱۱۳ و ۱۲۸)، و گشته دبیر (دبیر امور دینی و ستاره‌شناسی) (نک: گیرشمن، ۱۳۷۱، ص ۲۵۲).

۶. بستام عامل قتل هرمز چهارم، دانی و حامی خسرو پرویز در رسیدن به تخت سلطنت و مرزبان نواحی شرقی کشور بود که پس از ازدواج با گردویه خواهر بهرام چوبین به بهانه قتل برادرش بندوی از سوی خسرو پرویز با حمایت عده‌ای از مخالفان خسرو پرویز برای مدتی تاج شاهی بر سر نهاد (الیعقوبی، ۱۴۱۳، ق، صص ۱۷۰-۱۷۱).

۷. بندوی، دانی خسرو پرویز بود که کودتائی نافرجام در برابر بهرام چوبین داشت، اما پس از قدرت‌گیری مجدد خسرو پرویز و مرگ بهرام چوبین نیز بندوی به علت امتناع از فرمان خسرو پرویز به دستور وی به قتل رسید. (الطبری، ۱۳۷۸، ق، الجزء الثاني، ص ۹۰).